



مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای حقوق تجارت

مؤلف: دکتر مجید قربانی لاجوانی

عضو هیئت علمی دانشگاه صنعت نفت

انتشارات چتر دانش - ۱۳۹۷

سرشناسه	■ قربانی لاجوانی، مجید، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	■ مجموعه پرسش‌های چهار گزینه‌ای حقوق تجارت
مشخصات نشر	■ تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	■ ۷۳۹ ص.
شابک	■ ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۴۷-۹
وضعیت فهرست نویسی	■ فیپای مختصر
یادداشت	■ چاپ نوزدهم.
شماره کتابشناسی ملی	■ ۴۸۲۳۸۸۳

نام کتاب	■ مجموعه پرسش‌های چهار گزینه‌ای حقوق تجارت
ناشر	■ چتر دانش
مؤلف	■ دکتر مجید قربانی لاجوانی
نوبت و سال چاپ	■ بیست و پنجم - ۱۳۹۷
شمارگان	■ ۲۰۰۰
شابک	■ ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۴۷-۹
قیمت	■ ۴۲۵۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.



ناشر سخن

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزشی عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به‌منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

مقدمه مؤلف	۹
بخش نخست: تعریف تاجر، اعمال تجاری و تکالیف تاجر	۱۴
فصل نخست: تعریف تاجر	۱۴
فصل دوم: اعمال تجاری	۲۱
مبحث نخست: اعمال تجاری ذاتی (مطلق یا اصلی)	۲۱
مبحث دوم: اعمال تجاری تبعی	۲۸
فصل سوم: تکالیف تاجر	۳۵
مبحث نخست: تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری	۳۵
مبحث دوم: ثبت نام در دفتر ثبت تجاری	۴۸
بخش دوم: قراردادهای بانام قانون تجارت	۴۹
فصل نخست: قرارداد دلالی	۴۹
مبحث نخست: ماهیت دلالی	۴۹
مبحث دوم: قوانین حاکم بر قرارداد دلالی	۵۱
مبحث سوم: آثار قرارداد دلالی	۵۳
گفتار نخست: حقوق دلال	۵۳
گفتار دوم: تعهدات دلال	۶۱
فصل دوم: قرارداد حق العمل کاری (کمسیون)	۶۸
مبحث نخست: ماهیت حق العمل کاری	۶۸
مبحث دوم: آثار قرارداد حق العمل کاری	۷۰
گفتار نخست: حقوق حق العمل کار	۷۰
گفتار دوم: تعهدات و مسئولیت‌های حق العمل کار	۷۴
فصل سوم: قرارداد حمل و نقل	۸۴
مبحث نخست: قوانین حاکم بر قرارداد حمل و نقل	۸۴
مبحث دوم: آثار قرارداد حمل و نقل	۸۵
گفتار نخست: حقوق متصدی	۸۵

۸۷.....	گفتار دوم: تعهدات و مسئولیت‌های متصدی.....
۱۰۲.....	فصل چهارم: ضمانت.....
۱۰۷.....	فصل پنجم: قائم‌مقامی تجارتي.....
۱۰۹.....	بخش سوم: اشخاص حقوقی.....
۱۰۹.....	فصل نخست: شخصیت حقوقی و عوارض آن.....
۱۱۴.....	فصل دوم: مؤسسات غیرتجارتی.....
۱۱۵.....	فصل سوم: شرکتهای تجارتي.....
۱۱۵.....	مبحث نخست: اقسام شرکتهای تجارتي، تعريف و گروه بندی آنها.....
۱۱۵.....	گفتار نخست: اقسام و تعريف شرکتهای تجارتي.....
۱۱۸.....	گفتار دوم: گروه بندی شرکتهای تجارتي.....
۱۱۸.....	الف- شرکتهای سرمایه، اشخاص و مختلط.....
۱۳۲.....	ب- شرکتهای دولتي و خصوصي.....
۱۳۷.....	ج- شرکتهای موضوعاً تجارتي و شکلاً تجارتي.....
۱۳۷.....	د- شرکتهای تجارتي ثبت‌شده و شرکتهای عملي.....
۱۳۹.....	مبحث دوم: تشکیل و ثبت شرکتهای تجارتي.....
۱۳۹.....	گفتار نخست: تشکیل شرکتهای تجارتي.....
۱۳۹.....	الف- کلیات.....
۱۴۵.....	ب- تشکیل شرکت سهامی.....
۱۶۰.....	ج- تشکیل شرکت با مسئولیت محدود.....
۱۶۶.....	د- تشکیل شرکت تضامنی.....
۱۶۷.....	ه- تشکیل شرکت نسبی.....
۱۶۷.....	گفتار دوم: ثبت شرکتهای تجارتي.....
۱۷۰.....	مبحث سوم: اوراق بهادار و سهم‌الشرکه‌ی شرکتهای تجارتي.....
۱۷۰.....	گفتار نخست: اوراق بهادار.....
۱۷۰.....	الف- کلیات.....
۱۷۴.....	ب- سهام.....
۱۸۸.....	ج- اوراق قرضه و اوراق مشارکت.....

گفتار دوم: سهم‌الشرکه	۱۹۴
مبحث چهارم: تصمیم‌گیری شرکا	۱۹۸
گفتار نخست: مجامع عمومی شرکت‌های سهامی و تعاونی	۱۹۸
الف- دعوت مجامع عمومی	۱۹۸
ب- حد نصاب رسمیت جلسات مجامع عمومی	۲۰۱
ج- صلاحیت‌های مجامع عمومی	۲۰۴
د- تصمیم‌گیری در مجامع عمومی- حق رأی و اکثریت	۲۱۰
ه- اداره‌ی جلسه‌ی مجمع عمومی و پایان آن	۲۱۹
گفتار دوم: تصمیم‌گیری شرکا در شرکت با مسئولیت محدود و تضامنی	۲۲۲
مبحث پنجم: مدیران و مدیرعامل شرکت‌های تجاری	۲۲۶
گفتار نخست: شرکت‌های سهامی و تعاونی	۲۲۶
الف- تصدی سمت و زوال آن	۲۲۶
ب- اختیارات مدیران و مدیرعامل	۲۴۵
ج- حقوق و تکالیف مدیران و مدیرعامل	۲۵۲
د- مسئولیت مدنی مدیران و مدیرعامل	۲۵۶
ه- معاملات مدیران، مدیرعامل و اشخاص وابسته به آن‌ها با شرکت	۲۶۳
گفتار دوم: سایر شرکت‌های تجاری	۲۶۸
مبحث ششم: بازرسان شرکت‌های تجاری	۲۷۳
مبحث هفتم: تغییرات سرمایه‌ی اسمی شرکت‌های تجاری	۲۸۰
گفتار نخست: افزایش سرمایه‌ی اسمی	۲۸۰
گفتار دوم: کاهش سرمایه‌ی اسمی	۲۹۹
مبحث هشتم: حساب‌های شرکت تجاری	۳۱۰
مبحث نهم: انحلال و تصفیه‌ی شرکت‌های تجاری	۳۲۲
گفتار نخست: انحلال بدون تصفیه	۳۲۲
گفتار دوم: انحلال توأم با تصفیه	۳۲۴

بخش چهارم: اسناد تجارتي ۳۵۰

- فصل نخست: تعريف، انواع و امتيازات سند تجارتي ۳۵۰
- فصل دوم: صدور سند تجارتي ۳۷۸
- فصل سوم: قبول و نکول برات ۴۰۲
- فصل چهارم: تاريخ تأديهی اسناد تجارتي ۴۱۷
- فصل پنجم: انتقال و ظهرونيسی سند تجارتي ۴۲۱
- فصل ششم: ضمانت ۴۴۳
- فصل هفتم: تکالیف و حقوق دارنده ۴۵۳
- مبحث نخست: تکالیف دارنده ۴۵۳
- مبحث دوم: حقوق دارنده ۴۸۷
- فصل هشتم: تأديهی وجه سند ۵۱۱
- مبحث نخست: تأديهی وجه سند توسط مسئولان ۵۱۱
- مبحث دوم: تأديهی وجه سند توسط شخص ثالث ۵۲۷
- فصل نهم: مفقود شدن اسناد تجارتي ۵۲۹

بخش پنجم: ورشکستگی ۵۳۳

- فصل نخست: صدور حکم ورشکستگی ۵۳۳
- فصل دوم: مندرجات الزامی و ویژگیهای حکم ورشکستگی ۵۴۷
- مبحث نخست: مندرجات الزامی ۵۴۷
- مبحث دوم: ویژگیهای حکم ورشکستگی ۵۵۱
- فصل سوم: آثار حکم ورشکستگی ۵۵۴
- مبحث نخست: منع مداخلهی تاجر و انحلال شرکت تجارتي ۵۵۴
- مبحث دوم: تعليق دعاوی و تعقیبات فردی ۵۶۰
- مبحث سوم: بطلان برخی اعمال و معاملات تاجر ۵۶۲
- مبحث چهارم: حال شدن دیون مؤجل ۵۸۰
- مبحث پنجم: دعاوی استرداد ۵۸۶
- مبحث ششم: محدود شدن مدت اعمال خيار فسخ ۵۹۳

فصل چهارم: اجرای حکم ورشکستگی	۵۹۴
فصل پنجم: قرارداد ارفاقی	۶۲۵
مبحث نخست: شرایط انعقاد قرارداد ارفاقی	۶۲۵
مبحث دوم: آثار قرارداد ارفاقی	۶۴۱
مبحث سوم: انحلال قرارداد ارفاقی	۶۴۳
فصل ششم: اعاده‌ی اعتبار	۶۴۷
مبحث نخست: انواع اعاده‌ی اعتبار	۶۴۷
مبحث دوم: شرایط اعاده‌ی اعتبار	۶۴۸
مبحث سوم: آثار اعاده‌ی اعتبار	۶۵۲
فصل هفتم: جرایم مرتبط با ورشکستگی	۶۵۲
بخش ششم: مالکیت‌های معنوی و داوری تجارتي	۶۶۱
نقد و بررسی اجمالی «ماده واحده‌ی اصلاح ماده‌ی ۲۴۱ لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۹۵»	۶۶۵
تحولات جدید در حقوق تجارت	۶۷۰
الف- افزایش شرایط قانونی تصدی سمت مدیریت یا مدیریت عاملی در شرکت‌های تجارتي	۶۷۰
ب- تجویز استفاده از ارتباطات الکترونیکی	۶۷۱
سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۶	۶۷۳
سؤالات آزمون قضاوت شوراهای حل اختلاف ۹۶	۶۸۰
سؤالات آزمون وکالت ۹۶	۶۸۹
سؤالات آزمون مشاوران ۹۶	۶۹۷
سؤالات آزمون قضاوت ۹۶	۷۰۳
سؤالات آزمون دکتری حقوق خصوصی سراسری ۹۷	۷۱۳
سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۷	۷۲۶
سؤالات آزمون وکالت کرمانشاه ۹۷	۷۳۴

به نام آنکه جان را فکرت آموخت بازار آشفته

نگهدار اندر این آشفته‌بازار

کدین گازر از نارنج عطار

بازار آشفته در معنای عرفی کلمه، بازاری است که ورود و خروج مشارکت‌کنندگان به آن، تابع ضابطه خاصی نیست و هیچ مرجع یا دستی‌نامرئی قادر نیست قیمت و کیفیت عرضه و به‌طور کلی مطلوبیت بازار را برای مشتریان آن تضمین کند. بازار کتب آموزشی حقوق در حال حاضر مصداقی بارز برای آن است، دو دلیل اصلی عامل این وضعیت است:

۱- در کنار کتاب‌های پرارزشی که حاصل یک عمر مجاهدت علمی نویسندگانشان هستند در این بازار نوشته‌هایی یافت می‌شود که انسان بعد از نگاهی گذرا بر محتوای آن‌ها از هدر رفتن کاغذی که برای چاپشان مصرف شده دچار تأسف می‌شود. بخش قابل توجهی از کتاب‌هایی که در این بازار مورد معامله قرار می‌گیرند کتبی هستند که در مقام پاسخگویی به پرسش‌های چهارگزینه‌ای آزمون‌های برگزار شده در سال‌های پیش نوشته شده‌اند، آشفتگی بازار در ارتباط با این کتاب‌ها نمود بیشتری دارد. در این حوزه به دلیل سود نسبی فعالیت و فقدان نظارت منسجم از حیث محتوا بر محصولات عرضه‌شده کتاب‌هایی با سطح کیفی به شدت نازل و در برخی موارد حاوی سخنان نسنجیده و غیرعلمی به مشتری عرضه می‌شوند. تلقی عمومی این است که چون پاسخ‌گویی به پرسش‌های چهارگزینه‌ای آزمون‌های پیشین کار علمی جدی نیست، سهل است و هر شخصی که آشنایی اجمالی با کتاب‌های اصلی درس مورد نظر داشته باشد می‌تواند به این پرسش‌ها در قالب تدوین کتاب دست یازد از این رو بازار این دست کتب جولانگه اشخاصی شده که حس نامجویی خود را با تدوین کتابی برای پاسخ‌گویی به سؤالات چهارگزینه‌ای ارضا می‌کنند و این کار تمرینی است شاید برای کارهای جدی‌تر بعدی. سهل‌تر بودن پاسخ‌گویی به پرسش‌های چهارگزینه‌ای در قیاس با پژوهش‌های نظری تحلیلی در حقوق قابل انکار نیست ولی این امر نباید موجب عرضه کتابی حاوی پاسخ‌های نادرست شود. مضار آشفتگی بازار را خامی مشتری دو چندان می‌کند، معمولاً مشتریان کتاب‌های فوق را دانشجویانی تشکیل می‌دهند که یا در مقطع کارشناسی حقوق هنوز مشغول به تحصیل هستند یا تازه تحصیل در این مقطع را به پایان برده‌اند؛ از این رو قادر به تشخیص سره از ناسره نیستند و شوق کسب نمره قبولی در آزمون همراه با تبلیغات خلاف واقعی که برای فروش برخی از این کتاب‌ها صورت می‌گیرد خوانندگان

آن‌ها را گمراه می‌کند.

۲- نحوه طرح پرسش در آزمون‌های حقوقی هم عاری از اشکال نیست، به دلیل نحوه تدوین و تنظیم قوانین در کشور همواره قوانین مصوب مراجع صلاحیت‌دار در موقع تفسیر محل بحث و اختلاف نظر بین نویسندگان حقوقی بوده‌اند برای شناخت وضعیت موجود نگاهی به تفاسیر ارایه شده برای قانون مدنی که شاهکار قانون‌گذاری در کشور محسوب می‌شود، کافی است.

در ارتباط با سایر قوانین که از حیث محتوا و شکل نگارش قطعاً وضعیت‌شان نامناسب‌تر از قانون مدنی است، اختلاف نظر بین نویسندگان شدت بیشتری دارد. وضعیت زمانی آشفته‌تر می‌شود که طراح پرسش شخصی غیر از نظریه‌پردازان تراز اول درس مورد نظر باشد که تألیفاتی شناخته شده دارند و تألیفات ایشان منبع درسی در دوره‌های آموزشی کارشناسی است. در این وضعیت معمولاً طراح پرسش حداقل در برخی سؤال‌ها رویکرد خود در خصوص تفسیر قانون مورد نظر را مبنا قرار می‌دهد و پرسش و پاسخ مثبت آن براین اساس طرح می‌شود؛ درحالی‌که برای بسیاری از شرکت‌کنندگان در آزمون جز آن‌هایی که فرصت اطلاع یافتن از دیدگاه فرد مورد نظر یافته‌اند اصلاً امکان آشنایی با نظر او فراهم نشده است، حال وضعیت دانشجوی یا دانش‌آموخته‌ای را در نظر بگیریم که وقت گران‌بها و توان خود را برای مدتی قابل توجه صرف آمادگی برای امتحان کرده و حجم قابل توجهی از اطلاعات و نظریه‌های دست اول را در ذهن خود انباشته ولی در آزمون با پرسش‌هایی نامتعارف روبرو شده است. پاسخ‌گویی به چنین پرسش‌هایی سطح کیفی کتاب‌های تنظیم‌شده به‌عنوان پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای را هم تقلیل می‌دهد؛ زیرا در برخی موارد به دلیل مبهم بودن پرسش، انتخاب پاسخ مناسب آن دشوار است در نتیجه نویسنده دست به انتخابی نادرست می‌زند، در مواردی هیچ‌یک از گزینه‌ها پاسخ درست پرسش نیستند و نویسنده بدون توجه به این نکته و با این فرض که حتماً سؤال باید یک گزینه درست داشته باشد یکی از آن‌ها را برگزیده است.

آسیب‌های ناشی از این وضعیت بسیار است و بحث‌وبررسی در مورد آن به مجال وسیع‌تر نیاز دارد. به هر حال برخوردهایی که در سالیان تدریس این درس بعد از امتحان با دانشجویان داشته‌ام همواره توأم با گلایه‌هایی از طرز طرح پرسش و لزوم چاه‌اندیشی سریع از سوی مراجع صلاحیت‌دار در این خصوص بوده است. اقدام برای سامان دادن به این وضعیت برکات و آثار مطلوب فراوانی دارد بدون اینکه هزینه‌ای بر آن مترتب باشد. عدم نیاز به هزینه‌ای قابل توجه برای اجرای این طرح انسان را از تأخیر در اقدام مؤثر برای به سامان کردن این بازار آشفته دچار

حیرت می‌کند حداقل اثر مثبت این اقدام میمون افزودن بر انگیزه جوانان برای تلاش بیشتر و با برنامه برای بالا بردن سطح دانش و معلومات خویش است و علاوه بر آن بدبینی نسبت به آزمون‌ها را رفع می‌کند، از همه مهم‌تر اینکه برگزاری آزمون به رسالت واقعی خود یعنی سنجش دانش شرکت‌کنندگان و برگزیدن بهترین‌ها نزدیک می‌شود.

برای رسیدن به مطلوب اقدامات متعددی باید انجام شود که برخی از آن‌ها به شرح زیر هستند:

- ۱- شناسایی و پذیرش آسیب‌های موجود در آزمون‌های طرح شده بعد از نظر سنجی از صاحب نظران این امر که باید متشکل از حقوقدان‌ها و متخصصان آموزش و سنجش باشد
- ۲- تدوین دستورالعملی برای نحوه طرح پرسش‌ها و بودجه‌بندی هر یک از مباحث از حیث تعداد پرسش‌ها

- ۳- طرح پرسش از منابعی مشخص و از پیش اعلام شده به نحوی که داوطلب بتواند با آشنایی قبلی از منابع مورد نظر ولو آنکه مفصل و گسترده باشند، برای آزمون خود را آماده کند.

بهترین فرصتی که خداوند رحمان ممکن است به شخصی که به یاد گرفتن علاقه دارد عطا کند، فرصت معلمی است این فرصت بدون اینکه شایستگی آن‌را داشته باشم از سر لطف به‌نحوی شایسته و قابل توجه در ده سال گذشته در اختیار من قرار گرفته است، در این مدت که بخش عمده‌ای از آن صرف تدریس حقوق تجارت شده نکات در خوری در خصوص نحوه تدریس این درس عایدم شد. در دوره‌هایی که برای آموزش حقوق تجارت برای آمادگی آزمون‌های کارشناسی ارشد، ورود به دوره کارآموزی و کالت، قضاوت یا سردفتری برگزار شده همواره یکی از نکاتی که بر آن تأکید می‌کنم ضرورت رجوع دانشجو به پرسش‌هایی است که در آزمون‌های گذشته طرح شده است این کار اگر با هدف آشنا شدن با نحوه طرح پرسش در آزمون صورت گیرد مزیت‌های متعددی دارد از جمله اینکه دانشجو با روش طرح‌شدن سؤال از آنچه در کلاس آموخته است آشنا می‌شود و نیز می‌تواند درصد یادگیری خود را بسنجد. با وجود این یکی از دغدغه‌های مطرح دانشجویان مطابقت نداشتن پاسخ برخی از پرسش‌های طرح‌شده با مطالب عنوان‌شده در کلاس بود. این اختلاف با توجه به دلایل پیش‌گفته امری کاملاً طبیعی و قابل درک است، ولی آموزش را دشوار می‌کند، زیرا دانشجو می‌ماند که آنچه در کلاس یاد گرفته درست است یا آنچه که به‌عنوان پاسخ در کتاب مورد نظر ارائه شده. برای غلبه بر این دشواری مجموعه حاضر تهیه و تنظیم شده است. این مجموعه متضمن پرسش‌های طرح‌شده برای درس حقوق تجارت در آزمون‌های ورودی دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه‌های دولتی و آزاد، آزمون ورودی دوره دکتری

حقوق خصوصی دانشگاه‌های دولتی و آزمون اخذ پروانه کارآموزی وکالت است. برای سهولت یادگیری و استفاده مناسب از مطالب کتاب پرسش‌ها به صورت موضوعی طبقه‌بندی شده‌اند و در تنظیم پاسخ پرسش‌ها همواره تلاش کرده‌ام که مبانی و دلایل نظری پاسخ برگزیده را توضیح دهم مگر در مواردی که به دلیل سادگی بیش از حد پرسش و وضوح پاسخ آن، به استدلال نیاز نبوده است. این کوشش واقعاً ناقابل را به پاس اعتمادی که به من روا داشتند تقدیم می‌کنم به همه دانشجویانی که به امید قبولی در آزمون‌ها وقت خود را به من سپردند و نتوانستم آن‌ها را به خاطر ضعف دانش خود به هدف مطلوب برسانم و باید به‌طور ویژه تشکر کنم از دوست فاضلم جناب آقای **دکتر محمدباقر قربانوند** که برای شناخت رویه قضایی موجود نزد محاکم در خصوص نکات مورد اختلاف، از دانش ایشان فراوان بهره بردم.

و سخن آخر...

درین بازار اگر سودیست با درویش خرسند است

خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی

مجید قربانی لاچوانی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

علائم اختصاری

قانون تجارت	ق.ت.
لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت	ل.ا.ق.ت.
قانون صدور چک	ق.ص.چ.
قانون اداره تصفیة امور ورشکستگی	ق.ت.ا.و.
قانون راجع به ثبت شرکتها	ق.ث.ش.

بخش نخست: تعریف تاجر، اعمال تجاری و تکالیف تاجر فصل نخست: تعریف تاجر

۱- کدام‌یک از اشخاص زیر تاجر محسوب نمی‌شود؟ (ارشد سراسری-۷۸)

- (الف) حق‌العمل‌کار
(ب) دلال
(ج) عامل
(د) قائم‌مقام تجاری
- گزینه‌ی «د» درست است. تعریف تاجر در ماده‌ی ۱ قانون تجارت بیان شده است. در این تعریف، قانون‌گذار معیار تشخیص تاجر از غیرتاجر را موضوع شغل معمول او تعیین کرده است. اگر موضوع شغل معمول شخص از اعمال تجاری ذاتی باشد که در ماده‌ی ۲ قانون تجارت بیان شده‌اند، تاجر و در غیراین صورت غیرتاجر است. از اعمال مندرج در پرسش فوق، حق‌العمل‌کاری، دلالی و عاملی، طبق بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، عمل تجاری ذاتی هستند. قائم‌مقامی تجاری در این ماده جزء اعمال تجاری قلمداد نشده است؛ در نتیجه قائم‌مقام تجاری، تاجر نیست.

۲- کدام‌یک از اشخاص ذیل تاجر نیست؟ (وکالت-۸۷)

- (الف) دلال
(ب) حق‌العمل‌کار
(ج) کسبه‌ی جزء
(د) قائم‌مقام تجاری
- گزینه‌ی «د» درست است. کسبه‌ی جزء، تاجرند ولی از تکالیف تاجر معاف شده‌اند.

۳- کدام‌یک از اشخاص ذیل تاجر نیستند؟ (ارشد آزاد-۸۹)

- (الف) مدیرعامل یک شرکت تضامنی
(ب) کارگزار بورس
(ج) بیمه‌گر
(د) انبار عمومی
- گزینه‌ی «الف» درست است. کارگزار بورس، حق‌العمل‌کار است؛ در نتیجه، شغل معمول او طبق بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، عمل تجاری ذاتی است. افزون‌براین، طبق بند ۱۳ ماده‌ی ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ و سایر مقررات حاکم بر فعالیت کارگزاران، فعالیت کارگزاری باید در قالب شرکت تجاری انجام شود و کلیه‌ی شرکت‌های تجاری تاجرند. عملیات بیمه طبق بند ۹ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، عمل ذاتاً تجاری است و بیمه‌گر که شغل معمول خود را این عملیات قرار داده، براساس ماده‌ی ۱ این قانون تاجر است؛ علاوه بر این،

براساس مادهی ۳۱ قانون تأسیس بیمه‌ی مرکزی ایران و بیمه‌گری عملیات بیمه در ایران، باید به‌وسیله‌ی شرکت‌های سهامی عام ایرانی که کلیه‌ی سهام آن‌ها بانام است و با رعایت مقررات به ثبت رسیده‌اند، انجام گیرد. طبق مادهی ۱ تصویب‌نامه‌ی قانونی تأسیس انبارهای عمومی، انبار عمومی، مؤسسه‌ای است بازرگانی که با رعایت مقررات به‌صورت شرکت سهامی تأسیس شده و به ثبت رسیده است.

۴- عامل کسی است که: (ارشد سراسری-۷۳)

(الف) به‌نام و به‌حساب خود معامله انجام می‌دهد.

(ب) به‌نام خود ولی به‌حساب دیگری معامله انجام می‌دهد.

(ج) به‌دستور دیگری معامله انجام می‌دهد.

(د) واسطه‌ی انجام معامله قرار می‌گیرد.

گزینه‌ی «ج» درست است. در بند ۳ مادهی ۲ قانون تجارت، عاملیت در کنار دلالتی و حق‌العمل‌کاری از اعمال تجارتي ذاتی قلمداد شده است. باوجوداین، قانون‌گذار برخلاف دلالتی و حق‌العمل‌کاری، عاملیت را تعریف نکرده است. عامل مانند وکیل به‌نام و حساب دیگری معامله می‌کند؛ در نتیجه، تعهدات ناشی از قراردادهایی که عامل برای دیگری منعقد می‌کند به‌عهده‌ی اصیل است.

۵- کدام عبارت صحیح است؟ (وکالت-۹۱)

(الف) شرکت‌های تضامنی تاجر هستند و مشمول مقررات ورشکستگی نیز هستند.

(ب) شرکت‌های تضامنی تاجر هستند؛ اما از شمول مقررات ورشکستگی خارج هستند.

(ج) شرکت‌های تضامنی، تاجر نیستند؛ اما شرکت‌های تضامنی که موضوع آن‌ها تجاری است، مشمول مقررات ورشکستگی هستند.

(د) شرکت‌های تضامنی تاجر نیستند و از شمول مقررات ورشکستگی نیز خارج هستند.

گزینه‌ی «الف» درست است. کلیه‌ی شرکت‌های تجارتي از جمله شرکت تضامنی تاجرند و مشمول مقررات ورشکستگی هستند. شمول مقررات ورشکستگی بر شرکت‌های تجارتي به‌صراحت در مادهی ۴۱۲ قانون تجارت بیان شده است.

۶- مدیران شرکت‌های تجاری: (ارشد سراسری-۸۵)

(الف) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به‌نام خود عمل می‌کنند.

(ب) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به‌نام دیگری و به‌حساب دیگری عمل می‌کنند.

(ج) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به‌نام خود و به‌حساب خود عمل می‌کنند.

(د) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به‌نام خود و به‌حساب دیگری عمل می‌کنند.

گزینه‌ی «ب» درست است. مدیران و مدیرعامل هیچ‌یک از شرکت‌های تجارتي، تاجر محسوب

نمی‌شوند؛ مگر اینکه غیر از تصدی این سمت‌ها شغل معمولشان عمل تجارتي ذاتی باشد؛ مانند اینکه، عضو هیئت‌مدیره‌ی شرکت سهامی، علاوه بر این سمت، به حساب خود به شغل دلالی یا حق‌العمل‌کاری نیز اشتغال داشته باشد. دلیل تاجر محسوب نشدن مدیران و مدیرعامل شرکت‌های تجارتي این است که اشخاص مذکور در مقام تصدی سمت مدیریت، اعمال تجارتي را به نام و حساب شرکت انجام می‌دهند؛ درحالی‌که تاجر، به شخصی اطلاق می‌شود که اعمال تجارتي را به حساب خود، شغل معمول خویش قرار دهد؛ افزون‌براین، مدیریت شرکت تجارتي در ماده‌ی ۲ قانون تجارت از اعمال تجارتي ذاتی قلمداد نشده است.

۷- مدیران شرکت‌های تجاری: (ارشد آزاد-۹۰)

- (الف) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به نام خود عمل می‌کنند.
 (ب) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به نام دیگری عمل می‌کنند.
 (ج) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به نام خود و به حساب خود عمل می‌کنند.
 (د) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به نام خود و به حساب دیگری عمل می‌کنند.
 گزینه‌ی «ب» درست است.

۸- در عقد مضاربه: (ارشد سراسری-۸۰)

- (الف) حصه‌ی معینی از سرمایه به‌عنوان سود به مالک پرداخت می‌شود.
 (ب) سود به نسبت سرمایه بین مالک و مضارب تقسیم می‌شود.
 (ج) مالک و مضارب، تاجر محسوب می‌شوند.
 (د) مضارب، تاجر محسوب می‌شود.
 گزینه‌ی «د» درست است. طبق ماده‌ی ۵۴۶ قانون مدنی «مضاربه عقدی است که به موجب آن، احد متعاملین سرمایه می‌دهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند. صاحب سرمایه، مالک و عامل، مضارب نامیده می‌شود».
 مضارب باید با سرمایه‌ی مالک اعمال تجارتي ذاتی موضوع ماده‌ی ۲ قانون تجارت را انجام دهد، مضارب این اعمال را به نام خود انجام می‌دهد نه به‌عنوان وکیل مالک؛ باوجوداین، در سود حاصل از فعالیت، مالک و مضارب به نسبت مورد توافق به صورت مشاع شریک‌اند. با توجه به مراتب فوق، شخصی که در عقد مضاربه، به تجارت اشتغال پیدا می‌کند مضارب است. مالک در انجام تجارت مورد نظر دخالتی ندارد و صرفاً در نتیجه‌ی حاصل از آن سهیم است. اگر مضارب، تجارت مورد توافق را به نحوی انجام دهد که عرفاً بتوان آن را شغل او دانست تاجر قلمداد خواهد شد. چنانچه قائل بر شمول حکم ماده‌ی ۲۲۰ قانون تجارت بر عقد مضاربه باشیم، مالک و مضارب، هیچ‌یک تاجر محسوب نخواهند شد. چون در این صورت مضاربه در قالب شرکت تضامنی شخصیت حقوقی مستقل پیدا می‌کند. مضارب و مالک هر دو شریک این شرکت می‌شوند و مدیریت شرکت

نیز با مضارب است. نفس شراکت در شرکت‌های تجارتي و تصدی سمت مدیریت در آنها موجب تاجر شناخته شدن شخص نمی‌شود.

۹- شخصی که به‌عنوان مدیر یک فروشگاه فرش فعالیت و علاوه بر دریافت حقوق، پنج درصد از سود سالانه فروشگاه را نیز دریافت می‌کند:

(دکتری آزاد-۹۵)

الف) نسبت به درآمد حاصل از سود سالانه تاجر است.

ب) تاجر است.

ج) چنانچه سود سالانه بیشتر از حقوق سالانه‌اش باشد تاجر است.

د) تاجر نیست.

گزینه‌ی «د» درست است. تاجر به کسی اطلاق می‌شود که اعمال تجارتي ذاتی را به حساب خود، شغل معمول خویش قرار داده باشد. در فرض مورد پرسش، مدیر فروشگاه در مقام نماینده‌ی دیگری، به نام و از طرف اصیل تجارت می‌کند. تعهدات ناشی از قراردادهای منعقدشده توسط مدیر را، مالک فروشگاه باید اجرا کند. اینکه مقرر شده است، نماینده درصدی از سود سالانه‌ی تجارت را به‌عنوان پاداش دریافت کند، سبب نمی‌شود که جایگاه نماینده تغییر یابد و به اصیل بدل شود. مدیر فروشگاه با وجود توافق فوق، همچنان نماینده است و نمایندگان مثل مدیران عامل شرکت‌های تجارتي، قائم‌مقامان تجارتي و غیره که تجارت را برای شخص دیگری انجام می‌دهند، تاجر نیستند.

۱۰- تاجری فوت نموده و تمام مال التجاره‌ی وی به فرزندش که صغیر است، به ارث رسیده و اموال مزبور توسط قیّم اداره می‌شود. در اینجا چه کسی تاجر محسوب می‌شود؟

(ارشد آزاد-۸۹)

الف) صغیر

ب) قیّم

ج) نه صغیر و نه قیّم تاجر محسوب نمی‌شوند.

د) هر دو

گزینه‌ی «ج» درست است. تاجر به شخصی اطلاق می‌شود که اعمال تجارتي ذاتی را به حساب خود، شغل معمول خود قرار دهد؛ در جایی که شخصی به نمایندگی از دیگری به تجارت اشتغال دارد، تاجر، شخصی است که اعمال به حساب او انجام می‌شود نه شخص نماینده؛ به شرط آنکه اصیل، اهلیت داشته باشد. اگر نماینده، تجارت را به حساب محجور انجام دهد، محجور به دلیل نداشتن اهلیت قانونی، تاجر شناخته نمی‌شود؛ در نتیجه، در فرض مورد سؤال، نه قیّم تاجر است و نه محجور.

۱۱- کارمند دولت که در خارج از وقت اداری اشتغال به تجارت دارد:

(وکالت-۸۱)

الف) تاجر محسوب می‌شود.

ب) به‌هیچ‌وجه تاجر محسوب نمی‌شود.

ج) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت شغل اصلی او باشد.
 د) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت با شغل اصلی او منافات نداشته باشد.
گزینه‌ی «الف» درست است. کارمندان دولت به صورت کلی از تجارت منع نشده‌اند؛ در نتیجه، اصولاً می‌توانند در کنار شغل دولتی تجارت کنند. در این صورت، اگر عرفاً تجارت شغل آن‌ها قلمداد شود، تاجر و مشمول مقررات حاکم بر تجارند.

۱۲- دلالت در صورتی تاجر محسوب می‌شود که:

(ارشد سراسری-۷۲)
 الف) از اداره یا سازمان ذی‌ربط پرونده‌ی دلالتی اخذ کرده باشد.
 ب) در رشته‌ی واحدی فعالیت داشته باشد.
 ج) به کار دلالتی به‌عنوان شغل معمولی پرداخته باشد.
 د) شغل دلالتی را در قالب بنگاه یا مؤسسه انجام داده باشد.
گزینه‌ی «ج» درست است. طبق ماده‌ی ۱ قانون راجع به دلالت، تصدی به هر قسم دلالتی منوط است به اخذ پروانه از مراجع صلاحیت‌دار. شخصی که بدون پروانه به دلالتی تصدی کند، براساس ماده‌ی ۹ این قانون مجرم است و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. با وجود این، تصدی به دلالتی بدون پروانه مانع تاجر شناخته‌شدن شخص نیست. در ماده‌ی ۱ قانون فوق، تصدی به دلالتی منوط به اخذ پروانه شده است. مقصود از تصدی، اشتغال به دلالتی همراه با ایجاد بنگاه است؛ در نتیجه، شخصی که بدون تصدی، یعنی بدون ایجاد بنگاهی متشکل، به صورت موردی دلالتی می‌کند ملزم به اخذ پروانه نیست. دلالتی ماهیتاً از اعمال تجاری ذاتی غیربنگاهی است و تجاری قلمدادشدن آن منوط به ایجاد بنگاه برای انجام عمل نیست؛ ولی الزام به اخذ پروانه زمانی ایجاد می‌شود که شخص به دلالتی تصدی کند.

۱۳- کدام یک از عبارات زیر در مورد اشتغال خارجیان به تجارت در ایران، صحیح است؟

(ارشد سراسری-۸۵)

الف) اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران ندارند.
 ب) اتباع خارجه فقط با مشارکت اتباع ایران می‌توانند به تجارت اشتغال یابند.
 ج) اتباع خارجه بدون محدودیت، حق اشتغال به هر نوع تجارت در ایران دارند.
 د) اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران دارند؛ مگر در زمینه‌هایی که منع خاص وجود دارد.

گزینه‌ی «د» درست است. قانون تجارت هیچ محدودیتی برای اشتغال بیگانگان به تجارت در قلمرو ایران مقرر نکرده است. ماده‌ی ۱ این قانون نیز که به تعریف تاجر اختصاص یافته، داشتن تابعیت ایرانی را برای تاجر شناخته شدن اشخاص شرط نکرده است. ماده‌ی ۹۶۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «جز در موارد ذیل، اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی مُتَمَتِّع خواهند بود:

۱- در مورد حقوقی که قانون آنرا صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آنرا صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.

۲- در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه‌ی خارجه آنرا قبول نکرده

۳- در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه‌ی ایرانی ایجاد شده باشد».

اگر حق اشتغال به تجارت را از مصادیق حقوق مدنی بدانیم طبق ماده‌ی فوق، اتباع خارجه نیز از این حق ممتنع خواهند شد؛ مگر در مواردی که به دلایلی موجه، قانون‌گذار، اشتغال بیگانگان به عمل تجارتي خاصی را خلاف مصلحت کشور تشخیص دهد. به عنوان مثال، با وجود اینکه در قانون تجارت، اشتغال به دلالتی، منوط به داشتن تابعیت ایرانی نشده، بر اساس ماده‌ی ۲ قانون راجع به دلالان مصوب ۱۳۱۷ یکی از شرایط صدور پروانه‌ی دلالتی برای شخص، ایرانی بودن او است.

۱۴- داشتن دفاتر تجارتي (ارشد آزاد-۸۶)

الف) ملازمه با تاجر بودن صاحب آن ندارد.

ب) به تنهایی دلیل تاجر بودن صاحب آن است.

ج) به هیچ وجه تاجر بودن صاحب آنرا ثابت نمی‌کند.

د) به تنهایی دلیل تاجر بودن صاحب آن است، به شرط آنکه وفق مقررات قانونی تنظیم شده باشد.

گزینه‌ی «الف» درست است. طبق تعریف ماده‌ی ۱ قانون تجارت، تاجر کسی است که شغل

معمول خود را معاملات تجارتي قرارداده است؛ بنابراین تنظیم و نگهداری دفاتر تجارتي توسط

شخصی که شغل معمول او تجارت نیست، مثبت تاجر بودن او نخواهد بود. از طرف دیگر، اگر شغل

معمول شخص، تجارت باشد با وجود این، دفاتر تجارتي را تنظیم و نگهداری نکنند، از تکلیف قانونی

خود تخلف کرده و مشمول ضمانت اجراهای آن می‌شود. این تخلف، وصف تاجر را از او سلب

نمی‌کند، تنظیم و نگهداری دفاتر تجارتي در حد اماره‌ی قضایی، بر تاجر بودن شخص دلالت دارد.

۱۵- کسبه‌ای که میزان فروش سالانه‌ی آن‌ها از ریال تجاوز نکند، کسبه‌ی جزء

محسوب می‌شوند. (ارشد آزاد-۸۳)

الف) پنجاه میلیون

ب) یکصد میلیون

ج) یکصد هزار

د) یکصد و بیست هزار

طبق بند ۱ ماده واحده‌ی نظام‌نامه ماده‌ی ۱۹ قانون تجارت مصوب ۸۰/۱۱/۱۹ گزینه‌ی

«ب» درست است. در این نظام‌نامه معیار تشخیص تاجران کاسب جزء از تاجران کاسب عمده،

درآمد سالانه‌ی آن‌ها تعیین شده است. نظام‌نامه، کسبه‌ی جزء را به دو گروه تقسیم کرده است.

گروه نخست عبارتند از کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نمایان آن‌ها. این گروه در صورتی

کاسب جزء محسوب می‌شوند که درآمد سالانه‌ی آن‌ها از یکصد میلیون ریال تجاوز نکند. گروه

دوم عبارتند از ارائه‌دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای. این گروه به شرطی کاسب جزء قلمداد

می‌شوند که درآمد سالانه‌ی آن‌ها از پنجاه میلیون ریال تجاوز نکند. برای تشخیص اینکه تاجری در گروه نخست قرار دارد یا در گروه دوم، باید ماهیت شغل او را در نظر گرفت. اگر عمل تجارتي ذاتی که شخص، موضوع شغل خود قرار داده از اعمال خدماتی باشد تاجر در گروه دوم قرار می‌گیرد؛ در غیراین صورت، از تاجران مشمول گروه نخست است. بخش عمده‌ای از اعمال تجارتي ذاتی به شرح مقرر در ماده‌ی ۲ قانون تجارت مانند دلای، حق‌العمر کاری، تصدی به حمل‌ونقل، عملیات بیمه، عملیات بانکی، تصدی به نمایشگاه عمومی و تصدی به عملیات حراجی ماهیت خدماتی دارند.

۱۶- معیار تمیز کسبه‌ی جزء از سایر تجار عبارت است از: (دکتری سراسری-۹۳)

- الف) میزان فروش سالانه
ب) میزان سود خالص سالانه
ج) میزان سود ناخالص سالانه
د) تعداد کارگران
- گزینه‌ی «الف» درست است.

۱۷- کسبه‌ی جزء، (وکالت-۹۰)

- الف) مشمول مقررات حقوق تجارت نیستند.
ب) بازرگان به‌شمار آمده ولی از داشتن دفاتر تجاری معافند.
ج) بازرگان محسوب شده و بدون استثنا مشمول همه‌ی تکالیف تجار می‌باشند.
د) در گذشته بازرگان به حساب می‌آمدند، اما در حال حاضر، دیگر تاجر تلقی نمی‌شوند.
- گزینه‌ی «ب» درست است. کسبه‌ی جزء با وجود اینکه تاجرانند از تکالیف تنظیم و نگهداری دفاتر تجارتي و ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي معاف هستند و نیز طبق ماده‌ی ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مشمول مقررات ورشکستگی نیستند. از این رو، از کسبه‌ی جزء برخلاف تاجران که کاسب عمده محسوب می‌شوند، دادخواست اعسار پذیرفته می‌شود.

۱۸- کدام مورد در خصوص کسبه‌ی جزء صحیح است؟ (ارشد سراسری-۹۳)

- الف) تاجرانند، اما از شمول مقررات حاکم بر تجار خارجند.
ب) تاجر نبوده و از شمول مقررات حاکم بر تجار خارجند.
ج) تاجر نیستند، اما مشمول بعضی مقررات حاکم بر تجار هستند.
د) تاجرانند، اما از شمول بعضی مقررات حاکم بر تجار خارجند.
- گزینه‌ی «د» درست است. کسبه‌ی جزء، طبق قانون تجارت، تاجرانند، ولی مشمول برخی مقررات حاکم بر تاجران کاسب عمده نیستند. دلیل نادرستی گزینه‌ی «الف» آن است که کاسبان جزء را به‌طور مطلق از شمول مقررات حاکم بر تاجران کاسب عمده خارج دانسته است؛ در حالی که این گونه نیست و برخی مقررات حاکم بر تجار به‌طور مشترک نسبت به کاسبان جزء و کاسبان عمده قابل اعمال هستند، قرینه‌ی موجود در قانون تجارت که بر این نظر دلالت دارد حکم

تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰ قانون است. براساس این تبصره که یکی از تکالیف قانونی تاجران را بیان کرده است: «تاجر باید کلیه‌ی مراسلات و مخابرات و صورت‌حساب‌های وارده را نیز به‌ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.» با توجه به اطلاق لفظ تاجر و نظر به اینکه کاسبان جزء از تکلیف مقرر در تبصره معاف نشده‌اند، تکلیف موضوع تبصره را همه‌ی تاجران اعم از کسبه‌ی جزء و کسبه‌ی عمده باید مراعات کنند.

فصل دوم: اعمال تجارتي

مبحث نخست: اعمال تجارتي ذاتي (مطلق يا اصلي)

۱۹- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به‌قصد فروش: (ارشد سراسری-۷۳)

الف) ذاتاً تجارتي است.

ب) فقط میان تاجر، تجارتي است.

ج) وقتی تجارتي است که توسط تاجر انجام گرفته باشد.

د) وقتی تجارتي است که برای رفع حوايج تجارتي باشد.

گزينه‌ی «الف» درست است. اعمال تجارتي ذاتي که اعمال تجارتي مطلق و اصلي نیز نامیده شده‌اند، به اعمال مندرج در ماده‌ی ۲ قانون تجارت اطلاق می‌شود. ماده‌ی ۲ قانون تجارت، در مقام بیان تعريف تجارت و تبیین قلمرو آن در حقوق ایران است و به‌جای ارائهی تعريف ماهيتی از تجارت، آن‌را با بیان مصاديق تعريف کرده است. این ماده کاربردهای فراواني در حقوق خصوصي دارد و قلمرو کاربرد آن منحصر به حقوق تجارت نیست؛ به‌عنوان مثال برای تعیین معنای تجارت در تعريف عقد مضاربه به‌موجب ماده‌ی ۵۴۶ قانون مدني به ماده‌ی ۲ قانون تجارت استناد شده است، یا در داوري تجاري بين‌المللي برای تعیین ماهيت تجارتي داوري، ماده‌ی ۲ قانون تجارت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بند ۱ ماده‌ی ۲ قانون تجارت یکی از اعمال تجارتي ذاتي را خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به‌قصد فروش یا اجاره بیان کرده است. برای اینکه عمل خرید یا تحصیل طبق این بند ذاتاً عمل تجارتي قلمداد گردد باید مال مورد معامله منقول و قصد خریدار یا تحصیل‌کننده به هنگام خرید یا تحصیل، فروش یا اجاره‌ی آن باشد. بنابراین، اگر شخص، مال منقول را به‌قصد استفاده‌ی شخصي بخرد و بعد از خرید، قصد او تغيير يابد و درصدد فروش یا اجاره‌ی مال برآید، عمل خرید ذاتاً تجارتي نیست؛ ولی اگر شرایط مندرج در ماده‌ی ۳ قانون تجارت موجود باشد، همین عمل به‌طور تبعی تجارتي قلمداد خواهد شد.

با توجه به اطلاق عبارت تحصیل در این بند لازم نیست قراردادی که موجب انتقال مالکیت مال می‌شود عقد بيع باشد؛ درنتیجه، اگر شخص، مالکیت مال را از طریق عقود معوض دیگری غیر از بيع، مانند صلح معوض یا معاوضه به‌منظور فروش یا اجاره تحصیل کند، قرارداد موردنظر ذاتاً

عمل تجارتي است. خريد يا تحصيل مال غير منقول به قصد فروش يا اجاره طبق مفهوم اين بند و منطوق ماده‌ی ۴ قانون تجارت ذاتاً عمل تجارتي نيست؛ درنتيجه، طبق قانون تجارت، شرکتهایي که موضوع فعاليت آنها بايد عمل تجارتي ذاتي باشد، نمي‌توانند خريد يا تحصيل مال غير منقول را موضوع فعاليت خود قرار دهند. باوجود اين، به عقیده‌ی برخی صاحب‌نظران حقوق تجارت، ماده‌ی ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها نسبت به شرکتهای موضوعاً تجارتي استثنائاً خريد يا تحصيل مال غير منقول را ذاتاً تجارتي قلمداد کرده است، البته دلالت ماده‌ی فوق بر اين استنباط محل ترديد است. با توجه به مراتب فوق، عقد بيعي را که از طريق آن خريدار مال منقولي را به قصد فروش يا اجاره تملک مي‌کند مي‌توان بيع تجارتي ناميد؛ گرچه قانون تجارت به شرح فوق براي تفکيک بيع تجارتي از بيع غير تجارتي ضابطه ارائه کرده، بيع تجارتي از حيث شرايط انعقاد، آثار و انحلال، تابع احکام بيع در قانون مدني است.

۲۰- کدام‌یک از گزینه‌های زیر صحيح نيست؟ (وکالت-۸۶)

- (الف) ماشيني که به قصد اجاره معاوضه مي‌شود، عمل تجاري است.
 - (ب) خريد چرم جهت تبديل به کفش به قصد فروش تجاري نيست.
 - (ج) هرگاه کسی قالي بخرد براي منزل خود و بعد از مدتي آن را بفروشد، عمل تجاري است.
 - (د) خريد کتاب به قصد فروش آن، عمل تجاري است.
- گزينه‌ی «ج» درست است.** طبق ماده‌ی ۳ قانون تجارت گزينه‌ی «ج» درست است. اعمال مندرج درگزينه‌های «الف»، «ب» و «د»، طبق ماده‌ی ۲ قانون تجارت از اعمال تجارتي ذاتي (اصلي) هستند.

۲۱- کدام‌یک از اعمال زیر ذاتاً تجارتي نيست؟ (ارشد سراسري-۷۷)

- (الف) عمل خريد مال منقول به قصد اجاره (ب) عمل عاملي
 - (ج) عمل صدور چک (د) عمل خريد مال منقول به قصد فروش
- گزينه‌ی «ج» درست است.** طبق ماده‌ی ۳۱۴ قانون تجارت، صدور چک، ولو آنکه از محلي به محل ديگر باشد، ذاتاً عمل تجارتي محسوب نمي‌شود.

۲۲- دلالي معاملات اموال غير منقول: (ارشد آزاد-۹۰)

- (الف) مطلقاً عمل تجارتي محسوب نمي‌شود.
 - (ب) از اعمال تجاري ذاتي مي‌باشد.
 - (ج) چنانچه در چارچوب یک بنگاه و مؤسسه صورت پذيرد، تجارتي مي‌باشد.
 - (د) چنانچه توسط یک شرکت سهامی صورت پذيرد تجارتي مي‌باشد و از جمله اعمال تجارتي تبعی محسوب مي‌شود.
- طبق بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت گزينه‌ی «ج» درست است.** دلالي معاملات ملکی که در بند

۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت از آن با عنوان تصدی به تسهیل معاملات ملکی یاد شده، از اعمال ذاتاً تجارتي است. این عمل، به‌شرطی ذاتاً تجارتي به‌شمار می‌آید که به‌صورت تصدی و با ایجاد بنگاه صورت گیرد.

۲۳- کدام مورد، ذاتاً تجارتي نیست؟ (قضاوت-۹۲)

الف) تأسیس کارخانه‌ی تصفیه نمک

ب) دلالی اموال غیرمنقول املاک

ج) معامله‌ی برواتی بین دو نفر غیر تاجر

د) معامله‌ی مدیرعامل شرکت با مسئولیت محدود

گزینه‌ی «د» درست است. موارد مندرج در گزینه‌های «الف»، «ب» و «ج» به ترتیب براساس بندهای ۳، ۴ و ۸ ماده‌ی ۲ قانون تجارت از اعمال تجارتي ذاتی هستند.

۲۴- کدام‌یک از معاملات ذیل تجارتي محسوب نمی‌شود؟ (ارشد آزاد-۹۱)

الف) معامله‌ی اموال غیرمنقول توسط شرکت سهامی

ب) دلالی و حق‌العمل‌کاری معامله‌ی غیرمنقول

ج) معامله‌ی غیرمنقول شرکت‌های تجارتي به‌قصد ساختمان خانه به‌منظور سکونت یا فروش

د) تصدی به معامله‌ی غیرمنقول

گزینه‌ی «د» درست است. طبق ماده‌ی ۴ قانون تجارت، معاملات غیرمنقول به‌هیچ‌وجه تجارتي محسوب نمی‌شود، اعم از اینکه به‌صورت تصدی و با ایجاد بنگاه انجام شود یا بدون تصدی. دلالی و حق‌العمل‌کاری اموال غیرمنقول از اعمال تجارتي ذاتی است. دلالی معاملات غیرمنقول، مصداق تصدی به تسهیل معاملات ملکی محسوب شده و از این بابت ذاتاً تجارتي قلمداد می‌شود. حق‌العمل‌کاری معاملات ملکی نیز به‌دلیل ذاتاً تجارتي بودن عمل حق‌العمل‌کاری، تجارتي است. به عقیده‌ی برخی از صاحب‌نظران، معامله‌ی اموال غیرمنقول، توسط شرکت سهامی یا شرکت‌های دیگری که طبق ماده‌ی ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها برای ساختمان‌سازی ایجاد شده‌اند، به‌طور تبعی تجارتي‌اند.

۲۵- در صورتی که دعوی ناشی از معامله‌ای باشد که یک طرف آن تاجر و طرف دیگر غیر تاجر است معیار صلاحیت دادگاه بر مبنای «دعوی بازرگانی» کدام است؟ (قضاوت-۹۴)

الف) معامله نسبت به خواهان تجارتي باشد. (ب) معامله نسبت به خوانده تجارتي باشد.

ج) موضوع معامله تجارتي باشد (د) هدف معامله تجارتي باشد.

گزینه‌ی «د» درست است. عبارت «دعوی بازرگانی» در ماده‌ی ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی مورد استفاده قرار گرفته است. این ماده در مقام تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی بازرگانی است. در قانون آیین دادرسی مدنی یا قانون تجارت عبارت فوق تعریف نشده است. طبق دیدگاه

غالب در دکترین حقوقی، دعوای بازرگانی دعوایی است که منشأ آن، عمل تجاری باشد. اعمال تجاری براساس مواد ۲ و ۳ قانون تجارت به دو گروه اعمال تجاری ذاتی و تبعی تقسیم شده‌اند. طبق بند ۲ ماده‌ی ۳ قانون تجارت، کلیه‌ی معاملاتی که تاجر با غیرتاجر برای حوایج تجاری خود می‌کند، تبعاً تجاری هستند؛ بنابراین، معامله‌ای که از اعمال تجاری ذاتی نیست و بین یک تاجر و غیرتاجر منعقدشده در صورتی به‌طور تبعی تجاری است که هدف از انعقاد آن رفع نیازهای تجاری طرف تاجر قرارداد باشد. اگر بخواهیم در این فرض معیار تشخیص بازرگانی بودن یک دعوا را تعیین کنیم، معیار، هدف از انعقاد عقد است.

۲۶- منظور از معاملات برواتی معاملاتی است که مورد معامله‌ی آن (ارشد آزاد-۸۶)

الف) بروات باشد.

ب) کالا باشد.

ج) کالا باشد، به شرط آنکه خریدار به‌جای وجه نقد برات بدهد.

د) کالا باشد، مشروط بر آنکه طرفین معامله تاجر باشند.

گزینه‌ی «الف» درست است. منظور از معاملات برواتی در بند ۸ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، چهار عمل صدور، ظهرونیسی، ضمانت و قبولی برات است.

۲۷- منظور از معاملات برواتی در ماده‌ی ۲ قانون تجارت کدام‌یک از موارد زیر است؟ (ارشد آزاد-۹۰)

الف) صدور، ظهرونیسی، ضمانت و قبولی برات

ب) هر قراردادی که برای ایفای تعهد پول ناشی از آن برات صادر شده است.

ج) صدور، ظهرونیسی و ضمانت اسناد براتی

د) تنزیل اسناد براتی وعده‌دار

گزینه‌ی «الف» درست است.

۲۸- کدام گزینه در خصوص بند ۸ ماده‌ی ۲ قانون تجارت صحیح است؟ (دکتری آزاد-۹۳)

الف) صدور، ظهرونیسی و ضمانت برات، اعمال ذاتاً تجاری است اما قبولی برات، ذاتاً تجاری نیست.

ب) صدور، ظهرونیسی و قبولی برات، اعمال ذاتاً تجاری است اما ضمانت برات، ذاتاً تجاری نیست.

ج) صدور، ظهرونیسی، ضمانت و قبولی برات اعمال ذاتاً تجاری است.

د) صدور و ظهرونیسی برات، اعمال ذاتاً تجاری است اما ضمانت و قبولی برات ذاتاً تجاری نیست.

گزینه‌ی «ج» درست است.

۲۹- معاملات برواتی به‌عنوان اعمال تجاری ذاتی: (وکالت گیلان-۹۰)

الف) شامل برات نمی‌شود.

ب) چک را شامل نمی‌شود.